

اسلام سیاسی افراطی و شأن سیاسی زن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۰

بتول فلاح مراد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲

دکتر غلامرضا خواجه سروی^۲حسین ابوالفضلی کریزی^۳دکتر علی صالحی فارسانی^۴

چکیده

اسلام سیاسی در بر گیرنده مباحثی گسترده و مجادله بر انگیز است که به واسطه وقوع تحولات سیاسی و بین المللی، پیوسته در معرض مطالعه نظری و پژوهش های علمی قرار گرفته است. در این مقاله به موضوع اسلام سیاسی افراطی و شأن سیاسی زن در این گفتمان نو ظهور پرداخته است. در بخش مقدمه به تعریف مفاهیم اصلی، پیشینه پژوهش، سؤال و فرضیه اصلی و دو سطح نظری و عملی مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش تحلیل گفتمان با تکیه بر دال مرکزی، مرکزبندی ها و غیریت سازی انتخاب شده است. در این مقاله گروه های جهادی مانند القاعده، تکفیری مانند داعش، تبلیغی مانند گروه های اسلامی شرق آسیا و سیاسی مانند اخوان بررسی شده و به این نتیجه رسیده ایم که این نحله های نو ظهور در دسته بندی اسلام افراطی قرار می گیرند که شأن سیاسی در دو گروه جهادی و تکفیری بررسی شده است.

کلید واژه: اسلام سیاسی، اسلام سیاسی افراطی، شأن سیاسی زن.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد سلاسل، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. b.falhmorad@yahoo.com

^۲ دانشیار دانشکده علوم سیاسی، علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). sarvieza1968@gmail.com

^۳ اثار گروه و استانی گروه علوم سیاسی، واحد سملالا، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلانان، ایران

^۴ استادیار دانشکده علوم سیاسی، سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. ali_salehi62@yahoo.com

الف. مقدمه

در این نوشتار موضوع اسلام سیاسی افراطی و شأن سیاسی زن در آن بررسی می شود. ابتدا به تعریف مفاهیم اصلی سپس به پیشینه پژوهش در این حوزه، سوال اصلی، ساماندهی پژوهش، روش انجام کار و فرضیه اصلی پرداخته می شود.

تعریف مفاهیم اصلی

۱. تعریف اسلام سیاسی

اسلام سیاسی به آن دسته از جریان های اسلامی گفته می شود که به ضرورت تاسیس حکومت اسلامی باور دارند. هواداران اسلام سیاسی بر این باورند که اسلام دارای نظریه ای جامع در باره دولت و حکومت است.

اسلام سیاسی تشکیل حکومت اسلامی را مقدمه ای برای ایجاد جامعه ای سراسراسلامی تلقی می کند و چنین حکومتی را مناسب ترین شکل حکومت در جامعه های مسلمانان دانسته و آن را از تمامی مفاسد و نواقص حکومت های موجود بر کنار می بیند. (حسینی زاده، سید محمد علی، ۱۳۹۵، ص ۱۴)

۲. شان سیاسی زن در اسلام

بدون تردید زن مسلمان به همراه مرد مسلمان در جامعه اسلامی وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به امور مسلمانان را بر عهده دارد، از این رو شارع زن را در برابر وقایع اجتماعی بی مسئولیت نگذاشته است. پس از آنکه ثابت شد زن بر حسب اصل خلقت و آفرینش از شایستگی کامل برخوردار است، این دلایل به اثبات می رساند که او شایسته اهتمام عملی به شوون عمومی اجتماع و امت و شناخت نیازهای آن و نظارت بر حکومت و رفتارهای آن و سیاستمداران و مواضع آن در پرتو شناخت نیازهای اجتماع و امت و بیان نظر خویش در این زمینه و نقد یا تایید یا معارضه با آنها و تلاش برای رفع منازعات و مشکلات است.

۳. پیشینه پژوهش :

در زمینه پیشینه پژوهش اثر و منبع دست اولی مانند دیدگاه‌های رهبران و اندیشه ورزان گروه‌های سلفی جهادی درباره زن و شأن سیاسی او، به فارسی نوشته نشده است و آنچه وجود دارد شامل منابع دست دوم که شامل پژوهش‌های انجام شده در مورد این گروه‌ها است که منبع فارسی نداریم.

پژوهش‌های انجام شده به زبان انگلیسی که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

- (Ali, 2015) در مقاله‌ای تحت عنوان داعش و تبلیغات چگونگی بهره‌کشی داعش از زنان راه‌های بهره‌کشی از زنان از طریق تبلیغات را بررسی کرده است.

- (Mietz, 2016) در مطالعه‌ای با عنوان درک و پرداختن به مشکل استخدام زنان توسط داعش در کشورهای بالکان غربی به سیاست استخدام و به خدمت گرفتن زنان در کشورهای با کف آن در کشورهای بالکان غربی توسط نیروهای دولت اسلامی پرداخته است.

- (Spencer, 2016) در پژوهشی به عنوان چهره پنهان تروریسم تحلیل زنان در دولت اسلامی به بررسی فعالیت‌های بیشماری می‌پردازد که شبکه زنان داعش انجام داده‌اند و همچنین این پرسش را که چرا زنان نقش‌های خاصی را در خلافت بر عهده می‌گیرند تحلیل می‌کند.

- (Smith & Saltman, 2016) در پژوهشی با عنوان تا زمانی که شهادت ما را از هم جدا کند پدیده جنسیت و داعش به بررسی تحقیقات پیشین در مورد چرایی پیوستن زنان به شبکه‌های افراطی پرداخته‌اند.

- (Lucan & Inz, 2016) در اثری با عنوان توضیح افراط‌گرایی زنان غربی در داعش فعالیت شبکه اجتماعی در بکارگیری زنان غربی در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ را حول ایدئولوژی سیاسی و مذهبی بررسی می‌کند.

نوآوری این پژوهش در پرداختن به بررسی شأن و جایگاه سیاسی زن در دیدگاه‌های رهبران و اندیشه ورزان گروه‌های سلفی-جهادی می‌باشد.

بعد از تشریح مفهوم نظری و جریان‌های عینی « افراط‌گرایی در اسلام سیاسی و بررسی شأن سیاسی زن » پرسش اصلی اینگونه مطرح می‌شود که زن مسلمان در اندیشه سیاسی افراطی گروه‌های تکفیری-جهادی از چه شأن سیاسی برخوردار است؟»

ساماندهی پژوهش در سه سطح صورت می‌گیرد:

۱. در سطح نظری: اسلام سیاسی افراطی در عالم نظر شأن سیاسی زن را چگونه و در چه جایگاهی

تصویر کرده است؟

۲. در سطح عملی: از ابتدای شروع به کار اسلام سیاسی افراطی، تصویر ترسیم شده از شان سیاسی زن در مرحله عمل چه صورتی پیدا کرده است؟

۳. علل گرایش زنان به عضویت در گروه های جهادی به صورت داوطلبانه بررسی می شود.

با بررسی موارد فوق فرضیه این پژوهش را می توان اینگونه مطرح کرد، « در اندیشه سیاسی اسلام سیاسی افراطی، در دو سطح نظری و عملی به صورت استفاده ابزاری در جهت نیل به اهداف راهبردی چون بسیج جمعیتی برای تشکیل دولت اسلامی و عملیات انتحاری، نقش و جایگاه ویژه ای برای زنان در نظر گرفته شده است.

روش انجام کار به صورت تحلیل گفتمان می باشد. در گفتمان گروه های جهادی تکفیری همه دال های فردی و مدلول ها، و مفصل بندی گفتمانی در ذیل دال برتر و اصلی اسلام سیاسی مبتنی بر قرائت بسیار رادیکال و سلفی و گزینشی از قرآن و سنت و سلف قرار گرفته و سازماندهی می شود. در این راستا مدلول و دال هایی همچون امت سازی دینی-ایمانی، غیریت سازی شیعه، غرب و زن سکولار جهاد و عملیات انتحاری و تلقی از زنان به عنوان مادران جهادی در ذیل دال مرکزی قرار می گیرند و در چهارچوب این گفتمان و دال اصلی (اسطوره اسلام سیاسی-تکفیری) مفصل بندی می شود.

بنیان نظری و مفهومی پژوهش: تحلیل گفتمان

در نظریه گفتمان، اعتقاد بر آن است که باورها و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی، نقش ایفا می کنند. گفتمان ها را نباید با ایدئولوژی به مفهوم سنتی و محدود آن یعنی مجموع عقایدی که به وسیله آن عوامل اجتماعی، اعمال اجتماعی سازمان یافته شان را توجیه و تشریح می کنند، یکسان دانست. مفهوم گفتمان دربرگیرنده همه انواع باورها عقاید مفروضات و اعمال سیاسی و اجتماعی برخاسته از آنهاست. (هوارث، ۱۳۷۷:۱۵۶)

در تحلیل گفتمان، مفاهیم اجتماعی مفاهیمی در بسته و سر بسته نیست و تابعی از نظام زبانی و معنایی ذهنی جامعه هستند. (مقدمی، ۱۳۹۰:۹۲)

نظریه گفتمان با معناداری رفتارها و ایده های اجتماعی در زندگی سیاسی سروکار دارد و رفتارها یا کنش های ما از گفتمان ها متأثر هستند. (مارش و استوکر، ۱۳۷۸:۱۹۶)

ارنستولاکلاو وشتنال موفه ۲ به صورت جامع در نظریات خود، تحلیل گفتمان را نمایانگر ساخته اند در نظریات این دو اندیشمند، گفتمان یک کلیت است که دارای مفصل بندی است.

۱. **مفصل بندی:** در نظریه گفتمان جهت ایجاد ارتباط و پیوند میان عناصر مختلف، باید از کارکرد مفصل بندی استفاده کرد. مفصل بندی همه هویت ها و ویژگی رابطه ی گریزناپذیر در کلیت یک

گفتمان به وجود می‌آورد. لاکلائورموفه از مفهوم گفتمان فقط در قالب فلسفی زبان‌شناختی بلکه در شکل جامعه‌شناختی برای تبیین پدیده‌های اجتماعی از جمله قرائت فراگیر و رادیکال از دموکراسی در عصر سیاسی شدن هویت استفاده می‌کند. (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۵۴)

در نظریه گفتمان این دو اندیشمند، مولفه کلیدی «دال مرکزی» است. جوهر یا هسته گفتمانی است که سایر نشانه‌ها و دال‌ها حول آن نظم می‌گیرند یا هسته مرکزی منظومه گفتمانی را تشکیل می‌دهد. (حقیقت ۱۳۸۵: ۵۱۷)

۲. غیریت: مفهوم یا مولفه دیگر در نظریه گفتمان است که هویت یابی گفتمانی مستلزم وجود دیگری یا غیریت است.

ایجاد غیریت و فرض ضدیت‌های اجتماعی از سه جهت برای نظریه گفتمان واجد اهمیت است، نخست اینکه برقراری یک نسبت متضاد و خصمانه که به تولید یک غیر یا دیگر منجر شود برای تاسیس مرزهای گفتمانی ضروری است.

دوم اینکه تاسیس روابط و مرزهای تضاد آمیز برای تثبیت بخشی به هویت صورت بندی‌های گفتمانی و کارگزاران اجتماعی امری محوری است.

سوم اینکه تجربه ضدیت نمونه‌ای است که حدوثی یا غیر دائمی بودن هویت را نشان می‌دهد. (هوارث، ۱۳۷۸: ۱۶۱)

۳. سوژگی: از دیگر مولفه‌های گفتمان است. سوژه از نظر لاکلائورموفه از آزادی نسبی برخوردار است. سوژه را به موقعیت سوژگی که گفتمان‌ها برای خود فراهم می‌کنند تقلیل می‌دهند و از این طریق مفهوم سوژه خودمختار با هویت و منافع ثابت را طرد می‌کنند. (Smith:1998:64)

۴. قدرت: و رابطه آن با گفتمان نیز در این نظریه مورد توجه است. در واقع قدرت مجموعه روابط پیچیده و درهم تنیده شده میان نیروهاست که در قالب آن برخی اعمال به واسطه اعمال دیگر وادار به تغییر می‌شوند. (داوودی، ۱۳۸۹: ۶۴)

ب. متن مقاله

۱. تصویر شأن سیاسی زن در اسلام سیاسی افراطی در سطح نظری

۱-۱ تعریف اسلام سیاسی

اسلام سیاسی محصول تفاوت نهادن میان «اسلام» به عنوان هویت و «اسلام» به عنوان مذهب و «اسلام» به مثابه ایدئولوژی سیاسی است. (کاکس و مارکس، ۲۰۰۳: ۵)

مفهوم اسلام سیاسی از منظر «جان اسپوزیتو» نیز در عام ترین شکل آن، یعنی «احیاء یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی» تعریف می شود. بنا بر این اسلام سیاسی را می توان گفتمانی شمرد که دارای گزاره های ذیل است: (سعید ۱۳۷۹: ۲۰)

- ابعاد فراگیر دین و جدایی ناپذیری دین و سیاست

- تشکیل دولت مدرن بر اساس اسلام

- استعمار غرب به عنوان عامل عقب ماندگی مسلمان

واضح است چنین گفتمانی در تمام نگرش های درونی اسلام سیاسی مشترک است، اما این به معنای یک دست پنداشتن اسلام گرایان نیست. در واقع از منظری گفتمانی، اسلام سیاسی یا اسلام گرایی همان نقشی را ایفا می کند که مدرنیسم برای مجموعه ای از مکاتب و نگرش ها در غرب ایفا می کند. (آدمی ۱۳۹۴: صص ۲۹-۵۹)

۱-۲ اسلام سیاسی افراطی

شناخت ماهیت افراط گرایی مستلزم مطالعه ای عمیق تر در لایه های شکل گیری اسلام سیاسی معاصر است. از این رو می توان ادعان داشت که، «گروه های سلفی-حدیثی که مبارزه سیاسی و حتی فرهنگی برای کسب قدرت را تنها از طریق کاربرد خشونت و حربه تکفیر علیه مخالفان و براندازی خشن حکومت ها می دانند تا خلافت اسلامی را احیا کنند و قانون شریعت را اجرا کنند، جریان اسلام سیاسی افراطی تعریف می شوند». (آدمی ۱۳۹۴: صص ۲۹-۵۹)

۱-۳ تعریف شأن سیاسی زن

بحث از شأن سیاسی زن سابقه بلند مدت دارد. همیشه موافقین و مخالفینی داشته است. عده ای از موافقین، حضور در عرصه های مدیریتی را برای بر هم زدن مناسبات جنسیتی لازم می دانند، از نگاه آنان زنان در طول تاریخ فرودست بوده اند و حضور آنان در این عرصه ها هم نشان گر رو به اصلاح بودن وضعیت زنان است و هم زمینه ای برای آن.

زنان باید بتوانند با به دست گرفتن ماشین قدرت از آن برای باز تولید ارزش ها به نفع خود و تحت فشار قرار دادن دولت ها بهره برند. از این رو مبارزات زیادی انجام داده اند تا حکومت ها را به تغییر رویه به نفع ورود زنان به عرصه های قدرت و مدیریت سیاسی وادار کنند.

عده ای به ویژه گروهی از زنان مسلمان پس از حضور در عرصه مدیریت های میانی و تجربه ناخوش آیند «دیده نشدن ها» و نفوذ نداشتن ها و فقدان ساز و کار تأثیر گذاری بر تصمیمات کلان، به این نتسجه رسیده اند که مدیریت های کلان، تا حدود زیادی، گرفتار نگاه های مردانه است و نگاه

های مردانه نمی توانند مشکلات و نیاز های جامعه زنان یا اهمیت توجه به آن را به درستی درک کنند.

۲. تصویر ترسیم شده از شأن سیاسی زن در اسلام سیاسی افراطی در سطح عملی

۲-۱. جواز حضور و فعالیت های زنان تحت ولایت و قیومیت مردان^۱

نگاه سلفیه به زن یک نگاه سنتی است و زن را در چارچوب قرائت سنتی از دین تحلیل می کند:

زن ناقص العقل و انسان درجه دومی که تحت ولایت و قیومیت مرد قرار دارد و فعالیتش به خانواده و همسر داری فرزندآوری خانه داری و کمک به اقتصاد خانواده محدود می شود بر این اساس در رویکردهای سنتی یا افراطی یا تکفیری فعالیت های زن در ساعت های مختلف اجتماعی جایز شمرده نمی شود و زنان ظهور و بروز چندانی در ساحت های سیاسی ندارند.

سازمان های سلفی جهادی سازمان های مردانه هستند و زنان در آنها نقشی ندارند اولین کسی که زنان را برای اولین بار وارد فعالیت های سازمانی کرد ابومصعب زرقاوی و رهبر القاعده عراق بود و از زنان برای انجام عملیات های انتحاری استفاده کرد. وی در پاسخ به منتقدان استدلال کرد که پوشش زنان زیبایی عربی زن بودن آنها امکان موفقیت آنها در عملیات های انتحاری افزایش می دهد و در ادامه با تشکیل داعش ورود این سازمان به فاز تشکیل دولت و ضرورت انجام کارکردهای مربوط به دولت این سازمان استفاده از زنان را گسترش داد.

۲-۲. جواز حضور زنان به عنوان «اکل میت در زمان اضطرار»

علیرغم استفاده گسترده تر از قبل از زنان باز هم برای زنان صحنه سیاسی قائل نبود و صرفاً به مثابه حکم جواز اکل میت در زمان اضطرار از زنان استفاده می کرد
آن هم صرفاً در اموری که از عهده مردان بر نمی آمد اموری مثل اجرای حد بازجویی تفتیش و تجسس زنان و آموزش های عقیدتی و نظامی و زنان در واقع داعش و پیش از آن القاعده عراق به رهبری زرقاوی، بالاصاله شانی برای زنان چه در مورد اجتماعی در امور سیاسی قائل نبوده و نیستند و برای آنها زنان به مثابه یک ابزار برای پیشبرد امور موضوعیت دارند.

موضوع جهاد نکاح مهاجرت زنان به قلمرو خلافت و ازدواج آنها با مردان خلافت به منظور تامین هوای جنسی آنها به فرزندآوری از همین دریچه قابل فهم و تبیین است. یعنی بقای خلافت از طریق روحیه بخش به مردان داعشی و تامین نیروی انسانی آن مهم است و زنان باید برای تحقق این اهداف فعالیت کنند نه اینکه خود زنان و شأن آنها در جامعه موضوعیت داشته باشد.

بنابراین نگاه سلفیه جهادی زرقاوی و تکفیری داعش به زنان نگاه ابزاری است سلفی های تبلیغی برای زنان شأن بالاتری قائلند و زنان را هم به مثابه موضوع تغییر و هم به عنوان عامل تغییر

معتبر می‌داند به عنوان نمونه خانم منیره قیسی از شاگردان شیخ گفتار و مفتی اعظم سوریه قبل از بحران در این کشور بود که جلسات تبلیغی برای زنان برگزار می‌کرد و هزاران نفر از زنان سلفی اسلام‌گرا سوریه پای سخنرانی اش حاضر می‌شدند استقبال زنان سوری از جلسات منیره قیسی را عده ای پدیده قبیسان نامیدند و دستگاه‌های امنیتی سوریه به آن حساس شدند و سعی کردند و آن را مدیریت کنند.

اما شاخه سیاسی مدرن (سلفیه مدرن) با توجه به مقتضیات زمان حضور زنان را در اجتماع و فعالیت‌های سیاسی در حد ضرورت مجاز می‌شمارد اخوان تونس و تا حدی اخوان مصر با درک مقتضیات زمان به جبر این مقتضیات تن داده‌اند و برای زنان صحنه سیاسی قائل شده اند حضور همسر اردوغان در کنار وی در فعالیت‌های تبلیغاتی و سیاسی نمونه‌ای از به رسمیت شناخته شدن شان و جایگاه سیاسی برای زنان در اندیشه سلفی‌های سیاسی اخوانی‌ها می‌باشد.

۲-۳. نقش زنان در راستای امت سازی دینی

در ادبیات اسلام گرایان، «امت» با مفصل بندی اسلامی و ایمانی از مفهوم ملت با پیوند های قومی نژادی و زبانی متمایز است لذا و متدینی بر محوریت اسطوره و هویت اسلام بر ملت ارجح تر و برتر است و مرزبندی های جغرافیایی را به رسمیت نمی‌شناسد یا حداکثر جنبه فرعی برای آن قائل است.

جریان های تکفیری در تشکیل امت اسلامی از راهبردهای فراگیر انحصاری متعصبانه و تروریستی استفاده کرده‌اند.

در راستای تحقق امت فراگیر اسلامی یکی از راهبردها بسیج جمعیتی در ورای مرزبندی های جنسیتی بوده است و بر این اساس بود که زنان در گفتمان تکفیری به ویژه در تشکیل امت اسلامی به مثابه شالوده مهم خلافت است اسلامی مورد توجه قرار گرفتند. (سردار نیا خلیل اله، واکاوی جایگاه زنان در گفتمان جنسیتی داعش، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، ش ۲۶، ۱۳۹۷)

از سوی دیگر، بخشی از زنان با استناد به انگاره‌های زن باورانه در پی اثبات نظری و عملی این گزاره هستند که جنسیت یک هویت ثابت بیولوژیک نیست، بلکه به واسطه کردار ها و فرایندهای اجتماعی شدن متولد شده است به سخن دیگر جنسیت ناظر به ساختارهای فرهنگی سیاسی اجتماعی و گفتمانی است و مفاهیم مردانگی و زنانگی حکایت از آن دارند که چگونه زنان مردان را واسطه یک تاریخ سیاسی پیچیده ساخته شده اند که در آن زن در یک حوزه خصوصی و مرد در یک حوزه عمومی قرار گرفته است.

بر این اساس مردان برخوردار از نقش‌هایی همچون نگهبان و حامی ایثارگر وطن پرست شجاع مهاجم و قهرمان بر ساخته شده‌اند در حالی که زنان روح زیبا هستند و وظیفه حمایت روحی بر عهده

دارند و همسرانش جای خود در میدان جنگ عشق هدیه می دهند. (Bazand Nansen, zoog,) (pp139-140)

در اندیشه های افراطی بنیادگرایی زنان عرصه های جذاب تری برای ورود به ساعت مردانه یافته‌اند زنان با وارد شدن در گروه های تروریستی می‌تواند فرصت‌های دیگری فراتر از محدودیت های موجود در جوامع سنتی را دنبال کنند در این نقش دیگر زنان بر اساس نقش جنسیتی خود تعریف نمی‌شود و تروریسم ابزاری می‌شود که زنان از طریق آن می‌توانند تعبیر های نادرست رایج در مورد خود را از بین برده و رهایی و آزادی را دنبال کنند. (gary,2015,p10)

۳. بررسی علل گرایش زنان به عضویت در گروه های جهادی-سلفی به صورت داوطلبانه

زنان داوطلب در گروه های تکفیری مانند داعش، علاوه بر مردود دانستن عناصر مادی و معنوی جوامع غربی چشم انداز یک جامعه آرمانی و داده شده را در سر می‌پروراند آنان امیدوارند که در ایجاد یک جامعه که بر اساس احکام شریعت اداره می‌شود سهیم باشند.

مطالب متعددی که در نشریات خود مانند منعکس می‌کنند نیز موید این امر است در یکی از شماره های داغ آمده است: «ما فقط به خاطر اشتباهات و بی احترامی های آمریکا به خشونت متوسل نشده بلکه ما در حال تلاش برای ایجاد یک دولت اسلامی هستیم که بر اساس احکام خداوند در آن زندگی کنیم.» (Hoyle, Bradford, Freneil, 2015, p12)

با بررسی ویژگی های جمعیت شناختی گروه‌های تروریستی که خبر از افزایش حضور زنان در این گروه‌ها با گذر زمان می‌دهد ارزیابی نقش ها و کار ویژه‌های زنان در این سازمان‌ها گروه‌های افراطی که شامل گروه‌های جهادی-تکفیری هم می‌شود. پرده از این واقعیت بر می‌دارد که رفته رفته زنان موفق شدند از نقش های افقی یا حمایتی عبور کرده و وارد نقشه عمودی و عملیاتی شود.

ورود زنان به این چنین نقش‌هایی، موجب شده تا آن در کانون توجه واقع شود و واکنش ها و پرسش های جدید پیرامون آنها شکل بگیرد. (قریشی، سید یوسف، ۱۳۹۷: ۴۳)

پرسش هایی که به دنبال علت پیوستن زنان حتی زنان اروپایی به این گروه‌ها هستند.

سید یوسف قریشی در مقاله‌ای با همین عنوان به این سوال با نظریه فشار^۱، «رابرت اگنیو^۲»، پاسخ می‌دهد. این نظریه در پی آن بود تا نشان دهد ارتکاب جرم از سوی شهروندان ریشه در فشار هایی دارد که در اجتماع بر آنان وارد می‌شود بدین منظور نیز تلاش نمود تا به تا با اتکا به گزاره های مفهومی همچون میزان فشار دلیل فشار رابطه میان فشار و جرم و در نهایت جلوگیری از تسهیلات فشار به تشریح نظریه خود پردازد و سرانجام کار بست آن را در موارد مطالعاتی متعدد به تو آزمون

وزارت با وقوع ۱۱ سپتامبر و تولد تروریسم جدید امکان بسط نظریه برای اگنیو فراهم شد و در اثر خود (۲۰۱۰)، سعی کرد به مدد پژوهش‌های موجود، شالوده‌های نظریه مختص تروریسم را بنا نهد.

از منظر اگنیو، اغلب پژوهش‌های مرتبط با تروریسم دارای یک نقطه با گزاره مشترک هستند: «بروز و ظهور تروریستی پیش در فشار دارد.» اگر چه این گزاره از حیث پرداختن به فشار آب به نظر می‌رسد اما اگر نیز یادآور می‌شود که این فشار در قامت‌های متفاوتی توسط پژوهشگران تجسم شده است که عبارتند از: (Agnew, 2010, P.132-133)

- فقدان یا کمبود نسبی عناصر مادی جامعه
- مسائل مرتبط با جهانی شدن یا مدرن شدن، مانند تهدیدهای مرتبط با سلطه مذهبی و به چالش کشیده شدن نقش‌های سنتی در خانواده
- نارضایتی از تسلط فرهنگی، اقتصادی و نظامی غرب به ویژه ایالات متحده
- منازعات سرزمینی، قومی و مذهبی ناشی از فرایندهای دولت ملت سازی در دوره پسا

استعماری

- تبعیض اقتصادی سیاسی نژادی قومی و مذهبی
- مسائل پیش روی مهاجران هم از بیکاری تبعیض تضاد میان ارزش‌های اسلامی و غربی
- عدم رعایت حقوق اساسی بشر اعم از حقوق سیاسی امنیت شخصی حق برآورده شدن نیازهای اساسی بشر

- ظلم شدید دولت از جمله خشونت گسترده علیه گروه خاص

- چالش‌های خشن علیه هویت گروهی

- بی‌خانمان کردن یا اشغال سرزمین و خانه افراد

- اشغال نظامی سرزمین

- تهدید نسبت به گروه‌های اقلیت مثل کارگران، سفیدپوستان و سیاهپوستان و ...

این فشارها به سه گونه آن تقسیم می‌شوند:

اول- فشارهای بسیار زیادی که مردم عادی را قربانی میکند.

دوم- فشارهایی که به نظر قربانیان ناعادلانه به نظر می‌رسد.

سوم- فشارهای ایجاد شده توسط دیگران قوی‌تر. (Agnew. 2010. P.136)

از نظر اگنیو فشارهای نوع اول و سوم محتمل‌تر است که به تروریسم منجر شود. این گونه فشارها در حکم و متغیرهای مستقل عمل می‌کنند که به رفتار تروریستی به عنوان متغیر وابسته شکل می‌دهند.

بر اساس نظریه «فشار» اگنیو، قریشی دلایل پیوستن زنان به این گروه‌ها را این گونه توضیح می‌دهد:

دلایل و انگیزه های زنان برای پیوستن به گروه های تروریستی به عنوان ناظر به این مسئله است که آنان خود را به مثابه قربانیان فشارهای اجتماعی تلقی می کنند که برای برطرف نمودن آثار فشار، توسل به تروریسم یک گزینه مطلوب تصور می شود.

نکته حائز اهمیت آن است که اگر چه انگیزه های زنان در این رابطه با انگیزه های مردان شباهت دارد اما تروریست های زن به واسطه ایفای نقش منحصر به فرد از لحاظ انگیزشی دارای تفاوت هایی با مردان هستند با وجود این در گرایش زنان به تروریست و پیوستن آنان به سازمان های تروریستی موارد زیر موثرند:

- ۱- انتقام ناشی از غم (Sutten,2009,PP.21-22)
- ۲- شکستن هنجارهای جنسیتی حاکم (BuzandandHansen,2009,PP.139-)
- ۳- رهایی از فشار خانوادگی (Lay,2015,P.22)
- ۴- رفع مشکلات مالی (Sutten,2009,PP.24-25)
- ۵- احیای شرافت از دست رفته (Garay,2015,P.10)

۱-۳. بررسی سطح تصدیق مناصب سیاسی توسط زنان در گروه های افراطی

زنان سیاستگذار در گروه های افراطی:

تعداد زنان سیاستگذار در این گروه ها بسیار اندک است اما می توان آنها را در سه دسته جای داد. (Craginbdaly,2009,pp.87-88)

اول- دور اندیشان راهبردی که زنانی را در بر می گیرد که ایدئولوژی با راهبرد یک گروه تروریستی را دچار تحولی ژرف کرده اند.

روزنامه نگاران، نویسندگان یا حتی فلاسفه ای که به ارائه مانیفست یا دستورالعمل های خاص برای راهنمایی رهبران افراطی و تروریستی می پردازند در این زمینه قرار می گیرند.

دوم- اعضای کمیته مرکزی که در برگیرنده زنانی هستند که در تصمیم گیری ها مشارکت دارند تصمیمات آنها معطوف به عملیات نظامی فعالیت گروه های تروریستی و حتی با توجه به حقوق زنان در این گروه ها است.

سوم- مقامات سیاسی متشکل از زنانی است که به واسطه رابطه نزدیک با مقامات ارشد در این گروه ها در این دسته جای می گیرند.

۲-۳. مواجهه غرب با مسئله بازگشت زنان غربی عضو گروه های افراطی

یکی از مهمترین راهبردهای این گروه های تکفیری در تهدید غرب از نوع دراز مدت استفاده از فرزندان متولد شده است زنان اروپای غربی تکفیری است، به این معنی که از این فرزندان در ایجاد بی ثباتی بمب گذاری حملات فیزیکی و عملیات انتحاری در آینده استفاده کند تا از این رهگذر این غیریت متزلزل گردد و مشروعیت خود را از دست دهد.

علاوه بر این، این زنان گروه بعدی از عواملان تروریستی بین‌المللی خواهد بود زنان به دلیل جنسیت یک تهدید امنیتی پیش بینی نشده محسوب می‌شود.

این گروه‌های جهادی تکفیری از نظر امنیتی دراز مدت به پیوستن زنان می‌نگرند چرا که آنان پس از بازگشت به غرب می‌تواند یک تهدید امنیتی قابل توجهی برای غرب در آینده باشند بخشی از این زنان بعد از بازگشت به غرب به راحتی می‌توانند در جامعه قائل شوند اما بخش دیگر که آموزش نظامی دیده‌اند و قصد ادامه فعالیت‌های خود را در قالب شبکه جهاد جهانی را دارند می‌توانند تهدید بالقوه برای کشورهای خود باشند. (Peresin, 2015:43)

در سازمان‌های افراطی اسلام‌گرا همچون القاعده مسئولیت زنان به صورت سنتی بوده و زنان به عنوان پاسداران ارزش‌های خانواده و اخلاق تلقی شده‌اند.

اما در گروه‌های جدید تروریستی مانند داعش به زنان مأموریت‌های انتحاری و جذب سپرده می‌شود و عملاً در خط مقدم مبارزات فعالیت می‌کنند. (Spencer, 2016, 77)

۳-۳. مانیفیست «زنان دولت اسلامی»

نگارش مانیفیست داعش در قبال زنان ناظر به سه هدف اعم از آشکار ساختن نقش مسلمانان در زندگی تاکید بر تقدس زنان در دولت آتی داعش و در نهایت پرده برداشتن از وجود اسلام دروغین در عربستان سعودی قلمداد شد. (Winter, 2015, PP.7-12)

نقطه آغاز بحثی ن مانیفیست انتقاد از دیدگاه‌های غرب در قبال علم‌آموزی زنان بود از نگاه داعش غرب به نقش مورد تایید خداوند برای زنان توجه دارد با نقشی که با طبیعت نقشی که با طبیعت زنان سازگار است و ناظر مطالعه شرعی شریعت و احکام الهی می‌باشد و دانش دین دنیوی که زنان را مجبور به سفر به دورترین نقاط ای بزرگ ترین نقاط دنیا می‌کند در حوزه عملی هم فقط زنان باید در خانه و پرداختن به مأموران همچون آشپزی صرف شود. (Winter, 2015, PP.21-24)

همچنین بر این باورم که اگر به سرزمین اسلامی حمله شود و مرد کافی برای حفاظت از کشور در مقابل دشمن وجود ندارد در آن با استناد به فضای حاکم باید در جهاد شرکت کنند. (Coe, 2016, P.8) و در راستای اعطای نقش‌های عملیاتی و نظامی به زنان، داعش در سال ۲۰۱۴، دو تیپ مسلح کاملاً زنانه را برای فعالیت در قلمرو خود ایجاد کرد که عبارت بودند از تیپ الخنساء و تیپ ام الریان. (Jse, 2016, P.8)

اما در رابطه با خصلت‌های هر یک از این گروه‌های نظامی و عملیاتی شایسته ذکر است که تیپ الخنساء، تیپی پارتیزانی و کاملاً زنانه بود که بر اجرای احکام اسلامی و تامین امنیت محلی در شهرهایی مانند رقه و موصل نظارت می‌کردند. (Ranmah, 2016) این تیپ در صورت مشاهده نقض احکام اسلامی، به شیوه‌های خشونت‌آمیز جهت برخورد ناقضان، متوسل می‌شد.

اعضا همگی مجهز به کلاشینکف و سایر سلاح‌ها بودند تا در صورت ضرورت از آن بهره ببرند. (Khelghat-Doost, 2016)

نتیجه‌گیری:

یکی از موضوعاتی که در طول تاریخ در معرض آرا و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته است شخصیت و جایگاه فردی خانوادگی و اجتماعی زن می‌باشد و امروزه نیز کج‌اندیشی‌ها و عدم تعادل در این باب در جوامع مختلف به چشم می‌خورد.

درباره «زن» دیدگاه‌های متفاوتی اظهار شده است:

گاهی او را مظهر همه عشق‌ها زیبایی‌ها و لطافت‌ها دانستند و زمانی عامل فتنه‌گری و سیه‌روزی برخی وی را معاون شیطان و روحم را برزخی بین انسان و حیوان شمرده‌اند و گروهی نیز او را برتر از فرشتگان به حساب آورده‌اند.

برخی او را موجودی ضعیف و قابل‌ترحم دانسته انجام اعمال فساد لقب داده‌اند همین دیدگاه‌ها سبب شده که برخوردهای متفاوت با زن رقم بخورد.

با تاسف باید گفت که نگرگاه‌های منفی و غیرانسانی درباره زن همیشه در تاریخ غلبه و باعث به هدر رفتن استعدادها و جلوگیری از نبوغ و خلاقیت شده است زنان نیمی از پیکره اجتماع انسانی است.

شخصیت، رفتار، فرهنگ و اندیشه او بی‌گمان در شکل‌گیری جامعه انسانی نقش مهمی را ایفا می‌کند در تاریخ بشر وجود زن شأن و شخصیت او حدود اختیار وی در حیات بشری و پیوند او با مرد و مکانش در سنجش با مرد همواره مورد گفتگو بوده است.

در عصر حاضر بروز و ظهور جاهلیت قبل از اسلام توسط گفتمان سلفی جهادی با مساعدت انحرافات و خرافات و تحریفات و تخریب روند خدا گاهی زن نسبت به شخصیت خود شامل حقوق و تکالیف و ارزشمندی جایگاه زن و به دلیل واهی اغواگری زیر ظلم مضاعف و در قالب آموزه‌های دینی کردند این گروه‌های سلفی جهادی در راستای تحقق حکومت فراگیر اسلامی با یکی از راهبردهایش یعنی بسیج جمعیتی برای مرزبندی‌های جنسیتی نقش و جایگاه مهمی برای زنان در نظر گرفته است.

دیدگاه نوسلفی که به لحاظ تاریخی از دهه دوم سده بیستم میلادی به صورت دیدگاه مسلط در جهان اسلام خود را نشان داد و تا دهه هشتاد میلادی نفوذ گسترده‌ای داشت، بر اساس تعالیم جنبش‌های سلفی نیمه دوم سده هجدهم میلادی و آموزه‌های محمد ابن عبدالوهاب پا گرفت. این دیدگاه با آموزه‌های اخیر محمد رشید رضا و سید قطب و ابوالاعلی‌المودودی نضج گرفت. این

گرایش پس از دهه هشتاد میلادی به دو گرایش معتدل که نوعاً در مصر آشکار شد و گرایش تندرو که در عربستان تداوم یافت در جهان اسلام ارائه شد.

زنان به علت مولفه‌هایی همچون نقش آفرینی به عنوان فرزندآوری در راستای اعتماد سازی مادران جهادی برای تحکیم بخش به امت برای تحکیم بخشیده و امت اسلامی، رهایی زنان مسلمان از جامعه سکولار و انجام عملیات انتحاری و تهدید غرب برای تحقق دولت اسلامی در کنار مردان از نقش و جایگاه بالایی برخوردارند.

از سویی دیگر:

زنان داوطلب در گروه‌های تکفیری، علاوه بر مردود دانستن عناصر مادی و معنایی جوامع غربی، چشم انداز یک جامعه آرمانی وعده داده شده را در سر می‌پرورانند.

آنان امیدوارند که در ایجاد یک جامعه که بر اساس احکام شریعت اداره می‌شود، سهم باشند.

در اندیشه‌های افراطی بنیادگرایی، زنان در عرصه‌های جذاب تری برای ورود به ساحت مردانه یافته‌اند. زنان با وارد شدن در گروه‌های تروریستی می‌توانند فرصت‌های دیگری فراتر از محدودیت‌های موجود در جوامع سنتی را دنبال کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی:

- سردار نیا، خلیل اله، واکاوی جایگاه زنان در گفتمان جنسیتی داعش، فصل نامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال هفتم، ش ۲۶، ۱۳۹۷
- قریشی، سید یوسف، زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش، فصل نامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، ش ۴۳، ۱۳۹۷
- ساموئل، بی، هاینتیگتون، ترجمه محمد علی حمید رفیعی، برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی، تهران ۱۳۷۸
- گیدنز، آنتونی، منوچهر صبوری، جامعه شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳، ص ۵۲۲-۵۲۱
- فتاحی زاده، فتحیه، زن در تاریخ اندیشه اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۲۴، ۱۳۸۶
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، جمعی از مترجمان، جلد ۲، ص ۲
- داوودی، علی اصغر، (۱۳۸۹)، «نظریه گفتمان و علوم سیاسی» فصلنامه مطالعات سیاسی، تابستان، دوره دوم، شماره ۲۸
- هوارث، دیوید، (۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، مجله علوم سیاسی، پاییز، دوره اول، شماره ۲
- یورگنس، ماریان، فیلیس، لوییز، (۱۳۸۹)، نقد و بررسی کتاب نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، تهران، نشر نی
- آدمی، علی، چیستی افراط گرایی در اسلام سیاسی: ریشه های هویتی و کنش هنجاری، فصل نامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۹۴، ص ۲۹-۵۹
- امرائی، حمزه، انقلاب ایران و جنبش های اسلامی معاصر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۷۷، ۱۳۸۳

منابع انگلیسی:

-Agnew,R.(۱۹۹۲). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency. Criminology, ۳۰(۱), 47-88.

- Agnew,R.(۲۰۱۰). A general strain theory of terrorism. Theoretical criminology, ۱۴(۲), 131-153.
- Buzan,B., Hansen,L.(۲۰۰۹). The evolution of international security studies. Cambridge university press.
- Gray, A.L.(۲۰۱۰) Femalr integration in terrorist groups, Arkanzas: university of Arkanzas.
- Hoyle,C.,Bradford,A.,8frene,R.,(2015). BecomingMulan?: Female western migrants Ts To ISIS. London: Insiture for strategic dialogue.
- khelghat Doost,H.(2016) Woman of the Islamic state: The Evolving Role of women in jihad. Counter Terrorist trends and Analysis, 8(9).21-26.
- Lay,k.(2015).women as terrorists' an insoluble paradox.
- Rahman,u.(2016).The role of the women of the islamic state in the dynamics of terrorism in indonesia.
- Saltman,E.,8smith,m.(2015).till martyrdom do us parts gender and ISIS phenomenon. London:instute for strategic dialogue.
- Spencer.A.N.(2016).the hidden face of terrorism: an analysis of the woman in islamic state. Journal of strategic security,9(3),74.
- Tse,T.(2016).ISIS and recruitment: How do demograplics play a role? Mater's thesis, pittsburgh: carnegie meuon university.
- Winter,C.(2015). Women of the islamic state: amanifes to on women by the al_khansaa brigade. quilliam foundation.
- Ali,mah_rokh,(2015). ISIS and proganda: How ISIS explors women, redters institute for the study of journalism: university of oxford.
- Miet zeric,(2016). What about the woman? Understanding and adressing the problem of ISIS female recruitment in the western balkans, belgrade center for security policy.
- Presin,anita,(2015). Fatal attraction: western muslimas and ISIS. Perspective of terrorism, volume9, issue3.
- saltman,Erin marie 8 smith, melanie,(2015).till martyrdom do us part cender and the ISIS phenomenon.